



کلاب آدینه به صحنه برمی گردد

کلاب آدینه، بازیگر پیشکسوت تئاتر، پس از هفت سال دوری از عرصه بازیگری تئاتر، با نمایشی تازه به صحنه برمی گردد. به گزارش ایسنا، این تئاتر جدید که هنوز جزئیات و ترکیب کامل بازیگران و عوامل آن اعلام نشده، «هم این / هم آن» نام دارد که نویسنده و کارگردان آن سهند خیرآبادی است و تهیه کنندگی اش را نیز شبیر پرستار برعهده دارد. آدینه که در سال های اخیر بیشتر در مقام کارگردان فعال بود، آخرین بار در بهار ۱۳۹۷ با نمایش «شیرهای خان بابا سلطنه»، نوشته و کارگردانی افشین هاشمی به ایفای نقش پرداخت. او در این سال ها نمایش هایی چون «بانوی محبوب من»، «پرده خانه» و «جشنواره الفبا» را در مقام کارگردان به روی صحنه برده است. سهند خیرآبادی پیش تر نمایش «این دنیا به کنسرت ریکی مارتین به من بدهکاره» را با بازی الیکا عبدالرزاقی و امیرمهدی زوله، کارگردانی کرده بود.



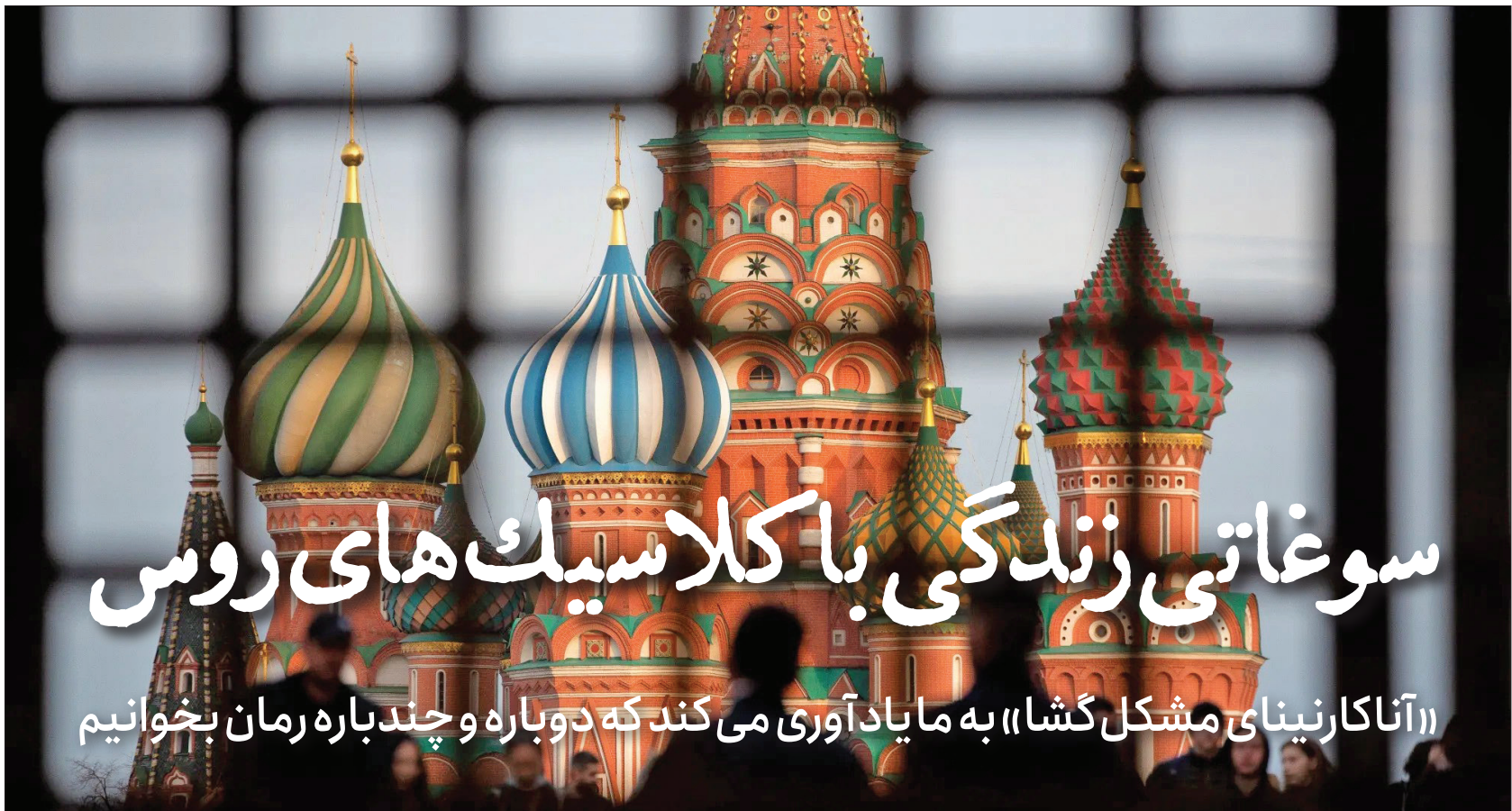
اسکور سیزی نامزد جایزه بازیگری امی شد

مارتین اسکورسیزی، کارگردان نامدار جهان سینما، نامزد دریافت جایزه امی شد. این کارگردان ۸۲ ساله که پیش تر سه جایزه امی برای مستندهای «جورج هریسون» و تهیه کنندگی سریال «امپراطوری بودوک» دریافت کرده، این بار نه به خاطر اثری سینمایی، بلکه حضور غافلگیرکننده اش در سریال کمدی «استودیو» محصول اپل تی وی پلاس مورد توجه آکادمی تلویزیون قرار گرفته است. این نخستین بار است که اسکورسیزی بابت بازیگری در یک جشنواره نامزد می شود. او در این سریال که ساخته لیوان کلدبرگ وست روگن است و ماجراهای یک استودیوی هالیوودی در حال فروپاشی را روایت می کند، در نقش خودش ظاهر شده و در یکی از قسمت ها ایده ساخت فیلمی پر هزینه درباره جونزتاون را به مدیر استودیو ارائه می دهد. اسکورسیزی در کارنامه حرفه ای خود، بازیگری در چندین فیلم را دارد. از جمله مونولوگ وسواس گونه اش در «راننده تاکسی» یا حضورهای کوتاه در فیلم «رویاها ای آکیرا کوروساوا» و فیلم «زیاد ذوق زده نشو» ساخته لری دیوید. مراسم اعلام برندگان جایزه امی، ۲۴ شهریورماه برگزار می شود.



درخواست اسپسی درباره پرونده اپستین

کوین اسپسی، بازیگر برنده اسکار و ستاره سابق هالیوود، در واکنش به گمانه زنی ها درباره ارتباط اش با جفری اپستین، خواستار انتشار کامل پرونده های او شد. اسپسی از سال ۲۰۱۷ پس از اتهامات متعدد سوء رفتار جنسی، از سینما کنار گذاشته شد. او در چند پرونده در آمریکا و بریتانیا در دادگاه حاضر شد و در نهایت از اتهامات، تبرئه یا با مختومه شدن شکایت ها روبه رو شد. نام اسپسی، بار دیگر در ژانویه ۲۰۲۴ در اسناد دادگاهی مرتبط با اپستین در کنار چهره هایی چون لئوناردو دی کاپریو و کیت بلانشت منتشر شد؛ هر چند هیچ کدام به مشارکت در شبکه قاچاق جنسی اپستین متهم نشدند. این در حالی است که وزارت دادگستری آمریکا و FBI اخیراً اعلام کرده اند، فهرست موسوم به «لیست مشتریان» اپستین وجود ندارد. اسپسی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «تمام پرونده های اپستین را منتشر کنید. برای کسانی که چیزی برای پنهان کردن ندارند، حقیقت باید هر چه زودتر روشن شود.»



عکس: Bloomberg

سوغاتی زندگی با کلاسیک های روس

«آناکارنینای مشکل گشا» به ما یادآوری می کند که دوباره و چندباره رمان بخوانیم

روزمهری ما کاربرد داشته باشند. او کتاب هایی را انتخاب کرده که از آزمون زمانه سر بلند بیرون آمده اند؛ «جنگ و صلح» و «آناکارنینا» ی لوف تالستوی، «یک روز از زندگی ایوان دنیسویچ» الکساندر سولژنیستین، «دکتر ژواگو» ی پاریس پاسترناک، «مرثیه» ی آن آخمتووا، «یک ماه در روستا» ی ایوان تورگنیف، «جنايات و مکافات» فنودور داستایفسکی، «یوگنی انگین» الکساندر پوشکین، «سه خواهر» آنتون چخوف، «مرشد و مارگریتا» ی میخائیل بولگاکف، «نفوس مرده» ی نیکلای گوگول.

لب لباب تجربه ی زندگی روسی شاید خلاصه شود در سطر ی از کتاب «یک روز از زندگی ایوان دنیسویچ» که بی رحم اما قابل درک است: «شکمت را برای خوردن چیزی که از آن تونیست صابون زن.» این آموزه ی اخلاقی را سولژنیستین در اردوگاه گولاک، که کسی انتظار زندگی اخلاقی ندارد، به ایوان دنیسویچ یادآوری می کند. حق با گراسکوپ است که می گوید: «همه باید سولژنیستین را دوست داشته باشند، چون سخت جان بود.» اوفقظ از این ننوشت که چطور می شود از مصیبت جان سالم به در برد، او این مصیبت را زندگی کرد و ادامه داد و سپردش به دست بولگاکف، مرشد و مارگریتا پیش که: «به مایاآوری می کند در نهایت همه چیز بهتر می شود، فقط اگر بتوانید مختصری حماقت و بیهودگی به زندگی تان تزریق کنید.» رمان ها به همان خوبی ای که نشان مان می دهند نباید چطور زندگی کنیم، شیوه ی درست زندگی کردن را هم یادمان می دهند. همه ی تلاش گراسکوپ این است که با رقت و آمد بین سطور رمان ها، به زندگی امروز ما پل بزند. «آناکارنینا» را بازخوانی می کند، در زندگی تالستوی کندوکاو می کند، تا برسد به این نصیحت تالستوی که: «شما همیشه نمی توانید آرام باشید، اما هر وقت در زندگی تان اوقات آرام و آرام بخشی داشتید، باید ارزشش را بدانید و سعی کنید آن لحظات را طولانی تر کنید.» پس درس رمان «آناکارنینا» این است: «ما باید سعی

معرفی کتاب

آناکارنینای مشکل گشا
نویسنده: ویو گراسکوپ
مترجم: لیلا نصیری ها
انتشارات: چشمه
قیمت: ۳۲۰ هزار تومان



به چنین مضمعه ی وحشتناکی ختم شده و ناامیدانه به اطراف نگاه می کنند تا کسی دیگر را برای سرزنش بابت این کار پیدا کنند و بعد متوجه می شوند در حقیقت از همان اول حق با آن ها بوده است: زندگی واقعی نهایت اسباب دردسر است و اعصاب خردکن و همه ی ما منتظریم تا بمیریم. اما گراسکوپ در «آناکارنینای مشکل گشا» می خواهد ما را اتفاقاً با نسخه ی روسی متقاعد کند که قطعاً می شود

دوام آورد و می توان حسابی از زندگی لذت برد. گراسکوپ «آناکارنینای مشکل گشا» را در ۱۱ فصل نوشته است که هر فصل به یکی از آثار برجسته ی ادبیات روس اختصاص دارد. او با استفاده از تجربه های شخصی خود در سفر به روسیه در دهه ی ۱۹۹۰ و مواجهه با فرهنگ و ادبیات آن کشور، مفاهیم پیچیده ی این آثار را به زبانی ساده و قابل فهم همراه با چاشنی طنزی ملایم ارائه می دهد و نشان می دهد که چگونه این آثار می توانند در زندگی

از اسم اش برمی آید، آثار خرافات را نشان می دهد؛ خرافاتی شایع در طبقه ضعیف و تهی دست جامعه که باور آن ها را شکل داده است و در چنین جمله هایی خود را بازتاب می دهد: «زنی که ۱۰ تا بچه بیاره با چشمای باز وارد بهشت می شه.» داستان «آیا گل ها پژمرده می شوند؟» به طور خاص انقلابیگری را نشان می دهد و فقر نیز در اکثر داستان ها مشهود است. در عین حال این داستان ها، فراتر از مراکش، قابل حس و درک اند و ممکن است در هر جامعه ای دیده شوند.

در روایت داستان ها، مستقیم گویی دیده می شود و به دلیل آنکه بیشتر زاویه دید دانای کل است، پردازش مستقیم به ذوق خواننده ضربه می زند: «هیچ کس نمی دانست این سرفه ها نشانه سل است یا صرفاً یک سرماخوردگی زودگذر.» الان دیگر همه می دانند که نشانه سل است! یا «چمبسا چیز دیگری از یا درش آورد؛ احتمالاً تهیابی.» در پایان داستان نیز آورده است: «هیچ کس نفهمید چه بر سرش آمده.» در صورتی که آنقدر اطلاعات جسته گریخته ای به ما می دهد که می توان حدس زد چه بر سرش آمده! زرافاز گاه اطلاعاتی به خواننده می دهد که کمکی به داستان نمی کند و فقط پُر کردن داستان است و نمونه های آن بسیار است. این اطلاعات در بعضی مواقع می خواهد فضای سیاسی اجتماعی داستان و جامعه را به ما نشان دهد و گاه ریشه در باورهای عموم مردم دارد.

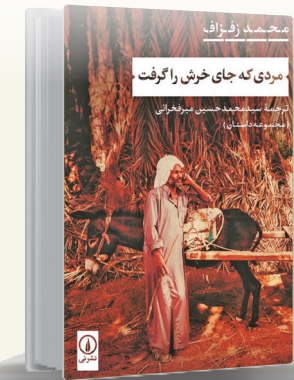
بازتاب جامعه در داستان های او چیزی است که می تواند نقطه قوت داستان های او به شمار آید. او در هر داستان به نوعی درگیر

درد و رنجی که پیوند می دهد

داستان های **محمد زرافاز** بازتابی از زیست فقیرانه و خرافی در مراکش است

معرفی کتاب

مردی که جای خرش را گرفت
نویسنده: محمد زرافاز
مترجم: سید محمد حسین میرفرخانی
انتشارات: نی
قیمت: ۱۲۰ هزار تومان



فکری برمی آیند. با مرور زندگینامه زرافاز که در مقدمه کتاب آمده است، می توان به این نتیجه رسید که داستان ها همانند زندگی اش از دل خیابان ها برمی آیند: «کودکی فلاکت باری داشتم، اما بودند کسانی که از من هم فلک زده تر بودند. خلاصه کنم: آن کودکی در من تشنه ی شد و اثر روانی خودش را بر من گذاشت.» درون مایه و مضمون کلی داستان ها؛ فقر، خرافات و انقلاب است. داستان «شاه جن ها» همانطور که



یاسمین طاهرزاده
کارشناس ادبیات

آثار محمد زرافاز (۲۰۰۱-۱۹۴۵)، داستان نویس سرشناس مراکشی از دل کوچه و بازارهای مراکش، آداب و رسوم مردم آن و زیست طبقه پایین جامعه برآمده است. بیشتر داستان های او در دهه های ۷۰ و ۸۰ دهه بیستم در مطبوعات جهان عرب انتشار یافته اند. داستان های کوتاه او را محمد حسین میرفرخانی در مجموعه ای به نام «مردی که جای خرش را گرفت» که نام یکی از داستان های این مجموعه است، جمع آوری و ترجمه کرده و در مقدمه کتاب عنوان می کند: «زرافاز با رویکردی واقع گرا، روایتگر شرایط فرهنگی، اجتماعی و اوضاع معیشتی مردمان مراکش است، همچنین این نوشته ها کمی بیش امروز مراکش را نیز پیش چشم می آورند.»

سبک کلی داستان ها، اجتماعی است و داستان ها به صورت مستقل از یکدیگر نوشته شده اند اما از یک روند